

گونه شناسی دعا‌های پیامبران (علیهم السلام) در قرآن کریم

فاطمه صغری برقرار^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح چهارم (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی الزهراء (س) گرگان، استان مازندران، استان گلستان، ایران، عضو مرکز پژوهشی مطالعات اسلامی الزهراء (س) گرگان، پژوهشگر و فعال فرهنگی
^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)
^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

عنایت انبیاء(ع) به دعا و اصرار بر آن در همه حال حاکی از جایگاه و اهمیت آن در ادیان توحیدی می‌باشد. وقتی دعوتگران به معنویت، خود این اندازه به دعا می‌پردازند و از آن مدد می‌طلبند، سزاوار است که در مفهوم و گستره پیامدهای معنوی نیایش، تأمل بیشتری داشته باشیم؛ چرا که پیامبران به دلیل نزدیک بودن به منبع لایزال وحی، این بصیرت را به دست آورده‌اند که دعا در میان اسباب تقرب و تکامل، جایگاهی ویژه دارد. پرسش اساسی در این تحقیق این است که بر اساس آیات قرآن، پیامبران در ادعیه خود چه خواسته‌هایی از خداوند متعال داشته‌اند؟ و در ساختار این ادعیه چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد؟. در این پژوهش تلاش شده است با بهره‌گیری از روش توصیفی و با مطالعه اسنادی و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا به بررسی ادعیه پیامبران در قرآن پرداخته شود، تا با فهم آن بتوانیم از روش انبیاء در مسیر بندگی و رسیدن به کمال نهایی الگوبرداری نماییم. بررسی‌ها حاکی از آن است که در قرآن کریم ادعیه ۱۲ تن از انبیاء ذکر شده است. انبیاء برای بیان ادعیه خود از روش مستقیم و غیر مستقیم و به صورت ایجابی و سلبی استفاده نمودند. بیشترین ادعیه در قرآن به حضرت نوح و حضرت موسی اختصاص داده شده است. طلب غفران و هدایت، موضوعی بود که در همه ادعیه تکرار شده است. رعایت ادب و تواضع در ادعیه تمامی انبیاء دیده می‌شود. برخی از انبیاء مانند حضرت ایوب، حضرت عیسی، حضرت موسی، حضرت یوسف و حضرت ابراهیم در دعا‌های خود به برخی از خصوصیات الهی مانند غفور، سمیع، علیم و... اشاره نمودند. حضرت ابراهیم تنها پیامبری بود که در ادعیه خود برای حضرت محمد دعا نمود و قبل از بیان خواسته خویش به ستایش الهی پرداخت. تنها دعایی که خداوند آن را به انبیاء آموزش داد مربوط به حضرت محمد (ص) بود و آن تقاضای فزونی علم بود.

واژه‌های کلیدی: دعا، پیامبران، قرآن، دعای مستقیم، دعای غیر مستقیم

مقدمه

قرآن کریم آشکارا نشان می‌دهد که این خداوند است که انسان را به گفتگوی با خود فرامی‌خواند تا حاجت‌هایش را در میان بگذارد و از او طلب هدایت و بخشایش کند. مانند آیه ۱۸۶ سوره بقره که خداوند می‌فرماید: «و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)». این دعوتگری چنان با صمیمیت همراه گشته که هر مخاطب قرآن و پیامبران را برمی‌انگیزد که همیشه در حال دعا باشند و از او مدد بجویند. برای فهم و شناخت ادعیه قرآنی و برانگیختن خود و دیگران در مسیر دعا، می‌بایست در نیایش نامه پیامبران، جستجوی نکته بینانه‌ای داشت. پیامبر گرامی اسلام برای بیان جایگاه والای دعا فرمودند: هیچ کاری در محبوبیت نزد پروردگار به پایه دعا نیست (طبرسی، ۱۳۹۲ ش، ۲:۲).

شمار شایان توجهی از نیایش‌های قرآن مربوط به پیامبران می‌باشد. آنان در طول رسالت خود در کنار عمل و جهاد و ابلاغ و تحمل دشواری‌های آن، همواره با خداوند در گفت‌وگو بودند. آن چه در این ارتباطات توجه انسان را به خود جلب می‌کند، مغفرت خواهی انبیاست. با عنایت و توجه انبیاء به دعا در همه حال، سزاوار است که در مفهوم و گستره دعا تأمل بیشتری داشته باشیم. از یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر فقط نام ۲۵ تن از آنان در قرآن ذکر شده است. که به ترتیب کثرت تکرار، موسی (۱۲۹)، ابراهیم (۶۱)، نوح (۴۳)، لوط (۲۷)، عیسی (۲۳)، یوسف (۲۱)، هارون و آدم (۲۰)، یعقوب (۱۶)، داوود، اسحاق (۱۵)، سلیمان (۱۴)، اسماعیل (۱۲)، شعیب و هود (۱۰)، زکریا و یحیی (۷)، محمد، صالح، یونس و ایوب (۴)، الیاس، ادریس، الیسع، ذوالکفل (۲) بار می‌باشد. بیشترین تکرار مربوط به نام حضرت موسی با (۱۲۹) تکرار و کمترین تکرار مربوط به نام حضرت الیاس، ادریس، الیسع، ذوالکفل با (۲) تکرار می‌باشد. در قرآن فقط ادعیه حضرت آدم، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت یوسف، حضرت موسی، حضرت سلیمان، حضرت زکریا، حضرت ایوب، حضرت شعیب، حضرت یونس، حضرت عیسی و حضرت محمد بیان شده است.

از مهم‌ترین امور برای رسیدن به اسرار ادعیه انبیاء، بررسی و تحلیل تمامی ابعاد ادعیه پیامبران در قرآن می‌باشد. تاریخ دعا را می‌توان با پیدایش انسان قرین دانست، زیرا انسان هرگز از نیازمندی‌ها جدا نبود و در درون و بیرون خود این احساس را داشته است که باید در پناه قدرتی آرام بگیرد. باقری‌فر (۱۳۸۱) در کتاب خود با عنوان «پژوهشی در نیایش‌های قرآن کریم» به موضوع بررسی ادعیه در قرآن پرداخته است. ملکی (۱۳۹۲) در کتاب خود با عنوان «نگرشی نو به تأثیر دعا در سرنوشت» به موضوع تأثیرات دعا در زندگی پرداخته است. سوالات اصلی در این پژوهش این می‌باشد که پیامبران در قرآن از چه روشی برای بیان ادعیه خود استفاده می‌کردند؟ چه خواسته‌هایی را از خدا داشته‌اند؟ چه عواملی باعث تفاوت‌های این ادعیه گردیده‌است؟ جهت پاسخگویی به این پرسش، روش پیش گرفته شده در این پژوهش به صورت توصیفی و کتابخانه‌ای بوده و سعی می‌گردد به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های ادعیه انبیا و تحلیل آن پردازیم. برای بررسی ادعیه انبیا در قرآن می‌توان این ادعیه را به دو گونه مستقیم و غیر مستقیم تقسیم کرد و هر کدام را از دو زاویه سلبی و ایجابی بررسی نمود.

۱. مفهوم شناسی واژه «دعا»

دعا از ریشه (د ع و) به معنای یاری خواستن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۱۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴: ۲۵۷؛ زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق، ۱۹: ۴۰۸؛ فخرالدین طریحی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۱۴۱؛ مهیار، بی‌تا: ۳۹۱)، خواندن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۱۵؛

فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۲۲۱)، درخواست انجام دادن کار (عسکری، ۱۴۱۲ق، ۵۳۴)، یاری خواستن (دهخدا، بی تا، ۷: ۹۶۰۲)، به سوی غیر متمایل شدن می باشد (مهیار، بی تا: ۳۹۱).

بسیاری از اهل لغت گفته اند: «صلاه» به معنای دعا و تبریک و تمجید است، اما به معنای نماز نیز آمده است که در اصل نوع خاصی از دعاست و آن از عباداتی است که هیچ یک از ادیان آسمانی گذشته، عاری از آن نبوده اند. گرچه در شکل و صورت با هم اختلاف داشته اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۹۰).

معناهای مختلف از دعا، جملگی تلاش خویشتن از آسیب پذیری درونی و برونی را بازگو می کند و طلب کردن چیزی از خدا مراد می باشد؛ یعنی قرار گرفتن موجودی حقیر و ناتوان در مقابل وجودی تام و تمام و کمال مطلق، به منظور درخواست نیازهایی که خود قادر به تامین آن ها نمی باشد.

۲. انواع دعا پیامبران (ع) در قرآن

بررسی آیات قرآن حاکی از جایگاه مهم دعا در آن می باشد. به فرموده پیامبر: دعا اسلحه مومن، ستون دین و نور آسمان ها و زمین است (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۴۸۶/۲).

امیرالمومنین حضرت علی (ع) نیز فرمود: دعا، کلید بخشایش و رحمت پروردگار، وسیله پیروزی بر تمام خواسته ها و حاجت ها است و به آنچه از خیر و خوبی نزد خداوند است، نمی توان رسید، مگر با دعا (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ش: ۲۸۴/۲).

شمار شایان توجهی از نیایش های قرآن به پیامبران مربوط می باشد. آنان در طی دوران بعثت در کنار عمل و جهاد و ابلاغ و تحمل دشواری های آن، همواره با خداوند در گفت و گو بودند. از آن جا که پیامبران در مرتبه ای والا از اطاعت و بندگی بوده و از خواسته های نفسانی و گناهان دور بوده اند، خداوند به ما دستور پیروی از آن ها و عمل به آیین ایشان می دهد (احزاب/۲۱).

خدای متعال در سوره فاتحه که مسلمانان هر روز در نمازهای پنجگانه آن را تکرار می کنند، این دعا را قرار داده است: «اهدنا صراط المستقیم» از طرفی نیز، خداوند به مومنین می آموزد که باید در تمام گفتار و کردار خود، پیامبران را سرمشق و الگو قرار دهند. یکی از موارد الگوپذیری ما از انبیا می تواند توجه به ادعیه آنان باشد. انبیا در قرآن با روش های مختلفی به راز و نیاز با معبود خویش می پردازند که به صورت مختصر در ذیل به شرح آن می پردازیم.

۲-۱. دعا مستقیم

ادعیه مستقیم، در حقیقت خواسته ها و طلب هایی است که پیامبران از پروردگار خویش دارند و با صراحت آن را بیان می کنند. برخی از این ادعیه، مربوط به عالم دنیا و برخی مربوط به عوالم پس از دنیا می باشد. بخشی از مطالب خواسته شده، گاه به رابطه انسان با خدا مربوط می باشد؛ یعنی دعا بازگو کننده خواسته شخصی انبیا از خداوند می باشد و گاه نیز به روابط انسان با انسان مربوط می باشد؛ یعنی خواسته انبیا از خداوند مربوط به مسائل دنیوی یا معنوی مردم می باشد. این قسم از ادعیه به دو بخش ایجابی و سلبی تقسیم می شود که در ذیل به شرح آن می پردازیم:

۱-۲-۱. دعا مستقیم ایجابی

در این بخش از ادعیه، پیامبران خواسته‌های خوبی را از خداوند برای خود و یا دیگر انسان‌ها دارند و این خواسته‌ها گاه مادی و گاه معنوی می‌باشد. هرچند که در خواسته‌های مادی آنان نیز معنویت نهفته می‌باشد و تصور دنیای بدون معنویت برای این اشخاص بزرگ که مسئولیت هدایت انسان‌ها را به عهده گرفته‌اند، بی‌معنا می‌باشد. در ذیل به شرح آن می‌پردازیم:

۱-۱-۲. دعای مستقیم ایجابی حضرت نوح (ع)

در شریفه «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا؛ نوح/۲۸»، حضرت نوح از خداوند طلب آمرزش پدر و مادر خود و آمرزش همه زن‌ها و مردهای مؤمن تا روز قیامت را می‌نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰: ۳).

این آیه بیانگر رابطه انسان با خدا و انسان با انسان می‌باشد و از حرف ندا «رب» استفاده شده است. حضرت در پایان دعا، نوع بیان خود را از ایجابی به سلبی تغییر می‌دهد و آرزوی زیادی هلاکت ظالمین را می‌کند. در آیات ۳۹ و ۲۶ مومنون که تکرار این دعا می‌باشد و از زبان ایشان بیان می‌شود: « قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي » که از خداوند خواهان یاریش در برابر تکذیب کنندگان می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۷: ۱۶۶ و ۱۷۰).

این دعا نیز بیانگر رابطه انسان با خدا می‌باشد. حضرت موسی در این ادعیه نیز از حرف ندا «رب» استفاده کرده است. در سه آیه بررسی شده حضرت نوح به هر دو رابطه (رابطه انسان با خدا و انسان با انسان) توجه کرده است و علاوه بر اینکه از خدا طلب کرد او را در امر رسالتش یاری نماید، خواهان طلب آمرزش افراد مومن نیز بود. ایشان نیز ترجیح دادند که معبود خود را با کلمه "رب" بخوانند و در انتهای بیشتر دعاهای خود، صفاتی مانند علیم، ارحم الراحمین و ستار العیوب بودن خداوند را به خود یادآوری می‌کرد. شاید این روشی برای جلب ترحم و رحمت خداوند است که حاکی از رعایت ادب و تواضع ایشان در بیان خواسته‌ها می‌باشد.

سوره‌هایی که ادعیه این بزررگوار را بیان نمودند سور مکی می‌باشد و بیشترین ادعیه در سوره مومنون گنجانده شده است.

۲-۱-۱-۲. دعای مستقیم ایجابی حضرت ابراهیم (ع)

در آیه «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ؛ ابراهیم/۳۵»، حضرت ابراهیم از خداوند می‌خواهد که مکه را شهر امنی قرار دهد و فرزندان او را از بت پرستی دور نگه دارد (طبری، ۱۴۱۲ق، ۳: ۴۴۱).

این دعا بیانگر رابطه انسان با خدا و انسان با انسان می‌باشد و پیامبر بعد از دعای جمعی، دعای شخصی برای فرزندان او را نیز به آن اضافه می‌نماید. در این دعا نیز از حرف ندا «رب» استفاده شده است. در آیه «رَبِّ اجْعَلْ بَنِيَّ مِنْ دُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهَلَّلُوا إِلَيْهِ لِمَ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ؛ ابراهیم/۳۷»، حضرت ابراهیم خواهان محافظت خداوند از خانواده‌اش در مکه می‌باشد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ۱۱: ۲۸۶). این دعا بیانگر رابطه انسان با انسان و از حرف ندا «ربنا» استفاده شده است. در آیه «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ دُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ * رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ؛ ابراهیم/۴۰-۴۱»،

حضرت از خداوند می‌خواهد که همه فرزندان را از نمازگزاران قرار دهد و حضرت آدم و حوا را بخاطر خطایشان بیامرزد (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۴: ۳۶). این نیایش بیانگر رابطه انسان با خدا و انسان با انسان می‌باشد. و از حرف ندا «رب» و «ربنا» استفاده شده است. در آیه «و إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ وَارِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ لِيَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعْلَمَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ بقره/۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹»، حضرت خود و نسلش را دعا می‌نماید و درخواست می‌کند که آنان را خداپرست بدارد و اعمالشان را بپذیرد و رسولان بعدی را از نسل او انتخاب کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۸۸-۱۸۷).

این آیه بیانگر رابطه انسان با خدا و انسان با انسان می‌باشد. حضرت ابراهیم برای مناجات با خدا حرف ندا «ربنا» را انتخاب کرده است. موضوع دعای ایشان در همه آیات محافظت خداوند از شهر مکه و هدایت نسل خود می‌باشد و به هر دو رابطه توجه نموده است. در آیات ۸۳ تا ۹۰ سوره شعرا حضرت بیان می‌کند که: " رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْخَيْرَ لِي بِالصَّالِحِينَ؛ حضرت ابراهیم کلمه "رب" را به ضمیر "ياء" یعنی به خودش نسبت داد، بعد از آنکه در آیات قبل، "رب" را به عنوان رب العالمین ستود و این بدان جهت بود که خواست، رحمت الهی را برانگیخته و عنایت ربانی را برای اجابت دعا و خواسته‌اش به هیجان در آورد.

در نتیجه معنای کلام آن جناب این است که: پروردگارا نخست موهبت حکم (اصابه نظر و داشتن رأی مصاب در مسائل کلی اعتقادی و عملی است) به من ارزانی بدار و سپس اثر آن را که صلاح ذاتی (استعدادش برای قبول رحمت الهی و ظرفیتش برای افاضه هر خیر و سعادت تمام باشد) است در من تکمیل نما و هنگامی که از خدا تقاضا کرد «وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»؛ برگشت معنا به این است که خداوند در قرون آخر الزمان کسی از فرزندان را مبعوث کند، که به دعوت وی قیام نماید، مردم را به کیش و ملت او که همان دین توحید است دعوت نماید. "وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ" و وارث جنت نعیم به او عطا کند. "وَ اغْفِرْ لِي يَا رَبِّ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ" این جمله حکایت استغفار آن جناب برای پدرش است و در ذیل دعای خود از خداوند می‌خواهد که او را در قیامت ناامید نکند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵: ۲۸۸-۲۸۵).

بررسی چهارآیه فوق حاکی از آن است که حضرت ابراهیم در این ادعیه طلب هدایت نسل خود و قراردادن رسول آخرالزمان از نسل او که همانند او لسان صدقی داشته باشد را خواستار بود. ایشان به رابطه انسان با خدا و انسان با انسان اشاره و در ادعیه خود از حرف ندا "رب" استفاده نموده است.

در آیه « رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ؛ صافات/۱۰۰»؛ حضرت درخواست کرد که خداوند فرزند صالحی به او عنایت نماید (همان، ۱۷: ۱۵۱). حضرت این دعای خود را در قالب رابطه انسان با خدا و ندا «رب» بیان کرده است که در سوره مکی گنجانده شده است. در ۱۶ آیه بررسی شده حضرت به هر دو رابطه (انسان با خدا و انسان با انسان) توجه کرده است. بیشترین دعا مربوط به هدایت نسل خود و اینکه رسول آخر زمان نیز از نسل ایشان باشد. حضرت در ادعیه خود برای مخاطب قرار دادن خداوند از حرف ندا "رب" و "ربنا" استفاده کرده است.

سوره‌هایی که ادعیه این بزررگوار را بیان کردند همه به غیر از سوره بقره از سور مکی می‌باشند و بیشترین ادعیه در سور شعراء گنجانده شده است.

۳-۱-۲. دعای مستقیم ایجابی حضرت سلیمان (ع)

در آیه «... وَ قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأُدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ؛ نمل/۱۹»، حضرت سلیمان از خداوند می‌خواهد که توفیق شکر نعمت، انجام عمل صالح به او عنایت کند و او را در زمره صاحبین قرار دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵: ۳۵۳). این دعا به رابطه انسان با خدا می‌پردازد و دعایی شخصی بوده که به بعد معنوی زندگی ایشان اشاره دارد و از حرف ندا «رب» استفاده شده است. ادعیه این بزررگوار نیز در سوره مکی گنجانده شده است.

در آیه « قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛ ص/۳۵»، حضرت از خداوند می‌خواهد که او را بیامرزد و حکومت خوبی که به کسی نداده به او بدهد (همان، ۱۷: ۲۰۵-۲۰۴).

دعا در قالب رابطه انسان با خدا و با ندا «رب» بیان شده است که در آخر آیه حضرت صفت وهاب بودن خداوند را بیان می‌کند. این دعا در سوره مکی گنجانده شده است.

۴-۱-۲. دعای مستقیم ایجابی حضرت شعیب (ع)

در سوره اعراف/۸۹ حضرت شعیب عرضه داشت: « رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ»، پس از آنکه قوم شعیب، او را در صورتی که به کیش آنان بر نگردد، تهدید به اخراج نمودند. حضرت شعیب هم به طور قطع آنان را از برگشتن به کیش و ملت آنان مایوس نمود و به خدای خود پناه برده و برای خود و یارانش فتح و پیروزی طلب نمود. این کلام، خود کنایه از نفرینی است که باعث هلاکت قوم است و اگر صریحا هلاکت آنان را از خداوند طلب نکرد، برای این بود که با علم و اطمینانی که به عنایت پروردگارش داشت و می‌دانست که به زودی او را یاری خواهد نمود و رسوایی و بدبختی نصیب کفار خواهد گردید؛ لذا رعایت ادب در حرف زدن را مراعات و امر را به خدا واگذار نمود (همان، ۸: ۱۹۲).

حضرت در این دعا به رابطه بین انسان با خدا و رابطه انسان با انسان اشاره کرد و خداوند را با کلمه «ربنا» مورد خطاب قرار داد. این دعا نیز در سوره مکی گنجانده شده است.

۵-۱-۲. دعای مستقیم ایجابی حضرت یوسف (ع)

در آیه «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَ لِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوْفِيقٌ مُّسْلِمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ؛ یوسف/۱۰۱»، حضرت یوسف خواهان این است که در زمره مسلمانان و صالحین قرار بگیرد (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۲۱۱).

این دعا بیانگر رابطه انسان با خدا و دعای شخصی می‌باشد. حضرت در این دعا با ذکر نعمت‌هایی که خداوند به او عنایت کرد، نهایت تواضع و ادب خود را نشان می‌دهد و قبل از بیان حاجت خود، خداوند را با وصف ولی در دنیا و آخرت مورد خطاب قرار

می‌دهد. آیه «قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ قصص/۱۶»، حاکی از جمله اعترافی آن جناب نزد پروردگارش است به اینکه: به نفس خود ستم کرده، چون نفس خود را به خطر انداخته بود. مراد از: "فَاغْفِرْ لِي" مغفرت و آمرزش گناه نیست، بلکه مراد از آن این است که: خدایا اثر این عمل را خنثی کن و از شر فرعون و درباریانش نجات بده.

حضرت در این دعا خواهان بخشش و آمرزش خداوند است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶، ص: ۱). این دعا نیز شخصی و بیانگر رابطه انسان با خدا می‌باشد. حضرت یوسف در هر دو آیه از حرف ندا «رب» استفاده نموده است. ایشان در دعای خویش فقط به رابطه انسان با خدا توجه کرده است. یعنی دغدغه حضرت، آمرزش ایشان از جانب خداوند می‌باشد و دیگران سهمی در دعای ایشان ندارند.

مراد حضرت یوسف در آیه «قَالَ رَبَّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ؛ یوسف/۳۳»، نفرین به خود نبود که "خدایا! مرا با انداختن در زندان از شر این زنان خلاص کن" بلکه بیان حال خود در برابر تربیت الهی بود و قصد داشت عرض نماید: در کنار محبت تو، زندان را با رضای تو بر لذت معصیت و دوری از تو ترجیح می‌دهم (همان، ۱۱: ۱۵۲).

این دعا در قالب رابطه انسان با خدا و با ندا «رب» بیان شده است که نشان دهنده اهمیت جلب رضایت الهی انبیاء می‌باشد و هر سه سوره‌ای که اشاره به ادعیه ایشان کرده جزء سور مکی می‌باشد.

۶-۱-۱-۲. دعای مستقیم ایجابی حضرت موسی (ع)

در آیه «قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ* قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ؛ قصص/۱۶-۱۷»، حضرت موسی از خداوند خواست بخاطر ستمی که به خود کرد او را ببامرزد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۱۵: ۱۱۰). حضرت این دعا را در قالب رابطه انسان با خدا و با ندا «رب» بیان نمود و در آخر دعا صفت غفور و رحیم بودن خداوند را بیان کرد که خود آموزشی برای بیان دعا و نشان از ادب و تواضع ایشان می‌باشد. این دعا در سوره مکی گنجانده شده است.

حضرت موسی در آیه «فَخَلَّارَجَ مِنْهُ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ* وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ؛ قصص/۲۱-۲۲»، از خداوند می‌خواهد که او را از قوم ظالم نجات دهد و او را هدایت نماید (مجتهد امین، ۱۳۶۱ش، ۹: ۳۹).

این آیات بیانگر رابطه انسان با خدا می‌باشد. حضرت موسی برای سخن با خداوند حرف ندا «رب» را انتخاب کرده است. این دعا در سوره مکی گنجانده شده است. در آیات ۲۵ تا ۳۵ سوره طه، موسی (ع) وقتی دید این بار سنگین رسالت را بدوش او نهادند و در خود طاقت تحمل آن را ندید در یازده آیه از پروردگارش یاری خواست که بتواند امر رسالت خود را اجراء نماید:

۱- شرح صدر طلب نمود و گفت خدایا سینه مرا باز گردان و اطمینان قلبی به من عطاء نما که طاقت تحمل جور فرعون را بیاورم و از جفاهای او خودباخته نگردم؛

- ۲- امر رسالت را بر من آسان گردان که بتوانم به سهولت امر تو را اجراء نمایم؛
- ۳- گره و عقده از زبان من بگشا تا سخن مرا بفهمند؛
- ۴- از سوالات موسی (ع) این بود که یار و یآوری برای من قرار بده؛
- ۵- آن کسی را که وزیر و یاور من قرار می‌دهی، هارون برادر من باشد؛
- ۶- پشت من را به او محکم گردان؛
- ۷- هارون را در امر و کار من که ارشاد فرعون و تبلیغ رسالت باشد؛ شریک نما؛
- ۸- شاید غرض موسی (ع) از جمله «كَيْ نَسَبِحَكَ كَثِيرًا...» چنین بوده که هر گاه در کارم کمک داشته باشم، مجالی برای ذکر تو و تسبیح و ستایش تو پیدا می‌نمائیم (همان، ۸: ۱۷۰-۱۶۹).

کریمه فوق بیانگر رابطه انسان با خدا می‌باشد. حضرت موسی برای سخن با خداوند، حرف ندا «رب» را انتخاب نموده است. حضرت در آخر دعای خود، صفت علیم بودن خداوند را یادآوری می‌نماید. این دعا در سوره مکی گنجانده شده است. در آیه ۱۵۱ سوره اعراف وقتی که هارون، حضرت موسی را متوجه کرد که بدرفتاری با او در مقابل قومش باعث خواری هارون می‌شود و قوم به اشتباه می‌افتند؛ حضرت موسی به خداوند عرض می‌کند: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي»، گفت: پروردگارا مرا و برادرم را بیامرز. منظور حضرت این نیست که از او و برادرش گناهی سر زده بوده و حالا طلب مغفرت می‌کند؛ زیرا طبق دلائل قطعی انبیاء (علیهم السلام) مرتکب کار زشت نمی‌شوند. جبائی می‌گوید: موسی با این دعا خواست به بنی اسرائیل بفهماند که این کاری را که با هارون کرد، به خاطر خطای هارون نبود، بلکه درست مثل این است که شخص خشمگین، به خودش صدمه می‌زند. «وَ أَدْخَلْنَا فِي رَحْمَتِكَ»: و ما را در نعمت و بهشت خود داخل کن. «وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»، این جمله را در آخر دعا ذکر کرد تا بیان نماید که، به خداوند، سخت امیدوار است و هر گاه عبارت «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» گفته شود، برای استدعای رحمت بسیار است. چنان که «اجود الاجودین» برای استدعای جود بسیار است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴: ۷۴۲-۷۴۱).

این آیه بیانگر رابطه انسان با خدا و رابطه انسان با انسان می‌باشد. حضرت موسی برای سخن با خداوند حرف ندا «رب» را انتخاب نموده است و در پایان دعای خود، صفت رحمن و رحیم بودن خداوند را یادآوری می‌نماید.

در آیه ۱۵۵ سوره اعراف حضرت موسی عرضه داشت: «قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَ إِيَّايَ»، پروردگارا، اگر می‌خواستی این هفتاد نفر را هلاک کنی، قبلا مرا با ایشان هلاک می‌کردی! اکنون جواب بنی اسرائیل را چه بگویم؟! «أُتْهِلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا»، این جمله بصورت استفهام و در معنی نفی است. یعنی ما را به کردار سفیهان ما هلاک نکن. از تو می‌خواهیم که محنت را از ما دفع کنی و ما را دچار هلاکت نسازی. منظور از کردار سفیهان، پرستش گوساله است. موسی گمان می‌کرد، هلاکت آنها به خاطر گوساله پرستی بنی اسرائیل کم خرد می‌باشد. «إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ»، این لرزش شدید که بر اندام اینان افتاده است، چیزی نیست جز آزمایش و سخت کردن عبادت و تکلیف به صبر بر آنچه تو بر ما نازل کرده‌ای. اینکه بیماریها و گرفتاریها فتنه نامیده شده، به خاطر اینست که قوه صبر را تقویت می‌کند. «تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ»، این لرزش را به هر که خواهی می‌رسانی و از هر که خواهی دور می‌سازی. «أَنْتَ وَلِيُّنَا»، تو یاور ما و صاحب اختیار ما هستی و ما را حفظ می‌کنی. «فَاعْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ»، ما را بیامرز و بر ما رحم کن که تو بهترین عیب پوشان و برترین بخشندگان (همان، ۴: ۷۴۵-۷۴۶). این آیه بیانگر رابطه انسان با خدا و رابطه انسان با انسان می‌باشد.

حضرت موسی برای سخن با خداوند حرف ندا «رب» را انتخاب نموده است و ذیل دعای خود برای رعایت ادب این گونه بیان می‌نماید که تو ولی و صاحب اختیار ما هستی و گویا پوشاننده عیوب بودن خداوند را یادآوری می‌نماید. بررسی ۱۶ آیه فوق حاکی از آن است که حضرت موسی در تمام ادعیه خود از منادا "رب" استفاده نموده است. به غیر از سوره قصص که فقط در ادعیه خود به روابط بین خود و خداوند اشاره کرده است.

در بقیه ادعیه برای هدایت و نجات دیگران نیز دعا نموده است. بیشترین دعا مربوط به کمک او در انجام رسالتش می‌باشد و اینکه برادرش هارون او را در این امر یاری نماید. سوره‌هایی که ادعیه این بزررگوار را بیان نمودند سور مکی می‌باشد و بیشترین ادعیه در سوره طه گنجانده شده است.

۷-۱-۲. دعای مستقیم ایجابی حضرت زکریا (ع)

حضرت زکریا در آیه «وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ؛ انبیا/۸۹»، از خداوند خواست که او را از تنهایی نجات دهد و به او فرزندی عنایت نماید (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۷: ۹۹). این دعا اشاره به رابطه انسان با خدا و درخواستی شخصی او دارد. حضرت در این دعا از ندا «رب» استفاده نموده است. ادعیه حضرت زکریا نیز در سوره مکی گنجانده شده است.

۸-۱-۲. دعای مستقیم ایجابی حضرت عیسی (ع)

در آیه ۱۱۴ سوره مائده آمده است: «قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوْلَادِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛ نکته حائز اهمیت کریمه فوق، این است که این دعا در میان همه دعاها و تقاضاهایی که در قرآن از انبیا حکایت شده، دارای خصوصیتی است که در هیچ یک از آنها نیست و آن افتتاح دعا با ندای "اللهم ربنا" است و سایر ادعیه انبیا افتتاحشان به ندای "رب" و "یا" ربنا" می‌باشد و این خصوصیت برای دقت مورد و هول مطلع می‌باشد. مسیح (ع) بعد از خواستن مائده آسمانی، خواست او و امتش روز نزول مائده را عید بگیرند و این ابتکار حضرت مسیح (ع) بود و گفت: "لِأَوْلَادِنَا وَآخِرِنَا" و معنی آن بنا بر آنچه سیاق دلالت دارد، این است که می‌خواهیم روز نزول مائده عیدی باشد برای نسل حاضر از امت و هم برای نسل آینده آن. در ادامه دعا عرض نمود "وَأَيُّهُ مِنْكَ" می‌خواهیم این مائده معجزه‌ای باشد. گویا خواست اشاره نماید به اینکه غرض اصلی ما همان عید بودن روز نزول مائده است. "وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ"، به جای لفظ "اکل - خوردن" از کلمه "رزق" استفاده نمود و بلافاصله گفت: و تو بهترین روزی دهندگانی؛ که نشان دهنده این می‌باشد که تا چه اندازه این پیغمبر عظیم الشان نسبت به پروردگار خود مؤدب بوده، کلام را به صورتی در آورد که برای عرضه به درگاه عزت و ساحت عظمت پروردگار، لایق شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۶: ۲۳۶-۲۳۵).

حضرت در این دعا به رابطه انسان با انسان و رابطه انسان با خدا اشاره و در خاتمه دعای خویش، خصوصیت رزاق بودن خداوند را یادآوری نمود. این ادعیه نیز در سور مدنی گنجانده شده است.

بررسی ۴۳ کریمه فوق حاکی از این است که از میان انبیایی که در قرآن نام آنان ذکر شده است، فقط هشت نفر از آنان (موسی (ع)، نوح (ع)، ابراهیم (ع)، زکریا (ع)، سلیمان (ع)، یوسف (ع)، عیسی (ع) و شعیب (ع)) برای بیان ادعیه خود از

روش مستقیم ایجابی استفاده نمودند. این انبیاء برای بیان خواسته‌های خود از ندا «رب و ربنا» استفاده کردند که بیشترین تکرار مربوط به «رب (۱۷ بار)» و کمترین آن «ربنا (۶بار)» بود.

نتایج حاکی از آن است که فقط حضرت عیسی با ندا «اللهم ربنا» خداوند را مورد خطاب قرار داد. بیشترین ادعیه در این تقسیم بندی مربوط به حضرت موسی که ۱۶ آیه مربوط به دعای ایشان بود. و بیشترین دعا در سوره طه بیان شده است. کمترین دعا مربوط به حضرت سلیمان، زکریا، عیسی و شعیب با یک دعا می‌باشد.

در بین انبیا ذکر شده حضرت زکریا، سلیمان و یوسف فقط برای خود دعا نمودند ولی حضرت نوح، ابراهیم و موسی، عیسی و شعیب هم برای خود و هم برای دیگران دعا کردند که بیانگر رابطه انسان با خدا و انسان با انسان می‌باشد. انبیاء در ادعیه خود علاوه بر طرح مشکلات خود با خداوند مانند نجات از دسیسه‌های قومشان و کمک در انجام رسالتشان، آموزش و هدایت مردم بیشترین دغدغه همه آنان بوده است. در میان ادعیه انبیاء فقط حضرت زکریا بود که طلب دنیوی داشت.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که حضرت موسی و حضرت عیسی در خاتمه دعای خود، برخی از صفات خداوند مانند علیم، ارحم الراحمین، ستار العیوب و رزاق بودن را یادآوری نمودند. همه ادعیه پیامبران مربوط به مسائل معنوی نبوده چنانچه در این گونه نیایش‌ها دیده می‌شود، پاره‌ای از حاجت‌ها مربوط به فرزند، همسر، آرامش و ... اختصاص یافته است؛ اما این‌ها نیز در راستای نگرش و کوشش توحیدی نهاده شده است. مهمترین چیزی که در همه دعاها مشترک بود رعایت ادب در کلام و تقاضا می‌باشد.

بررسی‌ها حاکی از آن است که حضرت ابراهیم تنها کسی بود که برای پیامبر گرامی اسلام دعا نمودند و از خداوند خواستند که لسان صادقی به پیامبر آخرالزمان عنایت فرماید و ایشان تنها کسی بودند که دعای خود را با حمد و ستایش الهی شروع کرد. ادعیه بررسی شده در ۱۱ سوره مکی و دو سوره مدنی گنجانده شده‌اند.

۲-۱-۲. دعا مستقیم سلبی

در این بخش، پیامبران ادعیه و خواسته‌هایی را بیان می‌کنند که در غالب تقاضای عذاب و هلاکت گروهی است که ندای حق در آنان هیچ تاثیری نگذاشته و فقط به سنگ اندازی در امر رسالت مشغول هستند. در ذیل به شرح آن می‌پردازیم:

۲-۱-۲-۱. دعا مستقیم سلبی حضرت نوح (ع)

«وَلَا قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا* إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجِرًا كَفَّارًا*

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا؛ نوح/۲۶-۲۸»، پس از آنکه نوح، نهصد و پنجاه سال مردم را به خدا پرستی و بسوی حق و حقیقت دعوت نمود و جز جواب ضرر و اذیت از قوم چیزی ندید بنای نفرین گذاشت و گفت خدای من، تمام آنان را هلاک گردان و نفری از آنان باقی نگذار، نوح به امر خدا قوم را نفرین نمود چرا که می‌دانست ضرر باقی ماندن آنها زیادتیر از هلاکت آنها است. نوح برای جبران نفرین کافرین، مؤمنین را دعا می‌کند و از خدا برای خود و اهل ایمان و تابعین خود طلب آموزش می‌نماید (مجتهد امین، ۱۳۶۱، ۱۴: ۱۳۳). در این دعا حضرت نوح از ندا «رب» استفاده کرده و به رابطه انسان با خدا و انسان با انسان اشاره شده است.

در کریمه «قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ* فَافْتَحْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فَتْحًا وَ نَجِّنِي وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ شعرا/۱۱۷-۱۱۸»، حضرت نوح جمله "رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ" را صدر کلام خود ذکر کرده تا مقدمه باشد برای مطالب بعد و این معنا را برساند که دیگر کار از کار گذشته و تکذیب به طور مطلق از آنان تحقق یافته، به طوری که دیگر هیچ امیدی به تصدیق و ایمان در آنان نماند و از خداوند درخواست کرد که عذاب را بر قومش نازل کند تا او و پیروانش از دست آنان نجات پیدا کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵: ۲۹۷).

حضرت نوح در این دعا از ندا «رب» استفاده نموده و به رابطه انسان با خدا و انسان با انسان اشاره کرده است و بعد از تقاضای عذاب، برای نجات خود و پیروانش دعا کرد. همه ادعیه مربوط به حضرت نوح در سوره مکی نازل شده است.

۲-۱-۲-۲. دعا مستقیم سلبی حضرت موسی (ع)

«وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآءَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَ أَشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ؛ یونس/۸۸»، حضرت موسی در ابتدای دعای خود بیان می‌کند که فرعون و اطرافیانش به واسطه اموالی که به آنان داده‌ای، مردم را گمراه می‌کنند و در ادامه عرضه می‌دارد: اموالشان را نابود کن و آنان را در همین شهر خودشان که در آن هستند پا بر جا کن که بجای دیگر نروند و آنان تا زمانی که عذاب را نبینند ایمان نمی‌آورند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۵: ۱۹۵).

حضرت موسی از ندا «ربنا» استفاده و دعای خود را در قالب رابطه انسان با انسان بیان کرده است. ایشان در دعای خود قبل از تقاضای عذاب قوم خود، علت آن را ذکر کرده است و خداوند دعای ایشان را در سوره مکی بیان نمود.

۲-۱-۲-۳. دعا مستقیم سلبی حضرت محمد (ص)

«قُلْ رَبِّ أَحْكُم بِالْحَقِّ وَ رَبَّنَا الرَّحْمَانُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ؛ انبیاء/۱۱۲»؛ حضرت محمد در این دعا تقاضای انتقام از ظالمین را نمود و درخواست کرد که خداوند بین آنان به حق حکم کند (علی بن ابراهیم قمی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۷۸).

حضرت از ندا «رب و ربنا» استفاده کرده و به رابطه انسان با خدا و انسان با انسان اشاره نموده است و در آخر دعای خود صفت رحمان بودن خداوند را یاد آوری کرده است. این دعا نیز در سوره مکی بیان شده است.

با بررسی آیات، مشخص شد که تعداد ادعیه سلبی پیامبران بسیار کمتر از ادعیه ایجابی آنان است (۶ دعا سلبی به نسبت ۴۳ دعای ایجابی) که این خود نشان از بردباری و عطف آنان در انجام امر رسالت می‌باشد.

در میان انبیاء فقط حضرت موسی، حضرت نوح و حضرت محمد از روش ادعیه مستقیم سلبی استفاده کرده‌اند. در این قسمت پیامبران برای تقاضای عذاب قوم خود به طور مساوی از ندا «رب و ربنا (۴ بار)» استفاده کرده‌اند. حضرت موسی و نوح قبل از تقاضای عذاب برای قوم خود علت آن را گمراه کردن دیگران بیان کردند. حضرت نوح بیشترین تکرار و تأکید را در مورد نابودی ستمکاران قوم خود داشت (۴ آیه)، که این دلیلی آشکار بر نقش و تاثیر زیانبار آنان در جامعه و تاریخ می‌باشد. شاید هیچ پیامبری این چنین گرفتار قومی نبوده و رنج و مشقت ابلاغ را نداشته است.

حضرت نوح در پایان ادعیه خود بعد از تقاضای عذاب، خواهان نجات خود و پیروانش از سوی خداوند بود. حضرت محمد نیز در آخر دعای خود صفت رحمان بودن خداوند را یادآوری کرد. همه دعا‌های سلبی پیامبران موضوع واحدی داشت و آن عذاب قوم ظالم خود که دعوت حق را نمی‌پذیرند و دیگران را گمراه می‌کنند. تمام ادعیه در سوره مکی بیان شد که بیشترین دعا در سوره نوح گنجانده شده است.

۲-۲. دعا غیر مستقیم

ادعیه قرآنی، بیانگر نیازها، رازها و خواسته‌های آشکار و غیر آشکار گروه‌ها و پیامبران می‌باشد. در این بخش، ادعیه‌ای که آشکارا در آن درخواست‌هایی به چشم بخورد، وجود ندارد بلکه انبیاء می‌کوشند تا وضعیت نگران کننده خویش را به تصویر بکشند. هرکدام از انبیا با توجه به موانعی که در جهت مسئولیت خویش می‌بینند، دعا می‌کنند. در این دسته از ادعیه، پرسش و پاسخ‌هایی دیده می‌شود که حاکی از این است که انبیا، به دنبال هدایت الهی بوده‌اند. در این نوع از ادعیه، انبیا بیش از آن- که به برآورده شدن حاجت پردازند، نفس دعا و عبادت، مورد نظرشان می‌باشد؛ یعنی دعا به منزله تعالی و تقرب صورت می‌گیرد و در ضمن زندگی شخصی را سامان می‌بخشد. این قسمت از ادعیه نیز خود به دو قسمت ایجابی و سلبی تقسیم می‌شود که در ذیل به شرح آن می‌پردازیم:

۲-۲-۱. دعا غیر مستقیم ایجابی

در این بخش از ادعیه، پیامبران در قالب پرسش و پاسخ و یا توصیف وقایع زندگی خود و به صورت گفتگوی دو طرفه در صدد ارتباط با مخلوق خود می‌باشند و یا در قالب آموزش دعا از سوی خداوند به انبیا صورت می‌گیرد و خواسته‌ها حول موضوعات خیرخواهانه و غیر منفی می‌چرخد.

۲-۲-۱-۱. دعای غیرمستقیم ایجابی حضرت آدم (ع)

در آیه «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» اعراف/۲۳» حضرت آدم و حوا از خداوند طلب آمرزش و رحمت کردند و خداوند نیز آن دو را مورد رحمت و غفران خود قرار داد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۳: ۳۱۲). حضرت در این دعا از ندا «ربنا» استفاده کرد. دعا در قالب رابطه انسان با خدا و در سوره مکی بیان شد.

۲-۲-۱-۲. دعای غیرمستقیم ایجابی حضرت نوح (ع)

حضرت نوح به خداوند عرضه داشت: «وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ* قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ* قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» هود/۴۵-۴۷». پس از آنکه کار طوفان به پایان رسید و کفار و اشقیاء همه غرق گردیدند، حضرت نوح در مقام پرسش برآمد و می‌خواسته حکمت آنرا بداند این بود که در مقام مناجات با پروردگارش گفت ای پروردگار من، پسر من از اهل من بود و وعده تو حق است که به من وعده دادی که اهل من را نجات دهی پس چه حکمتی جلوگیری شد که پسر من هلاک گردید تو حکم کننده‌ترین تمام حکم کنندگانی و از سوی خدا جوابی به نوح می‌رسد که او از آن اهلی که من وعده نجات آنها را به تو دادم نبود او بر غیر دین و ملت تو بود؛ زیرا که عملش غیر صالح بود. خدای تعالی چنین اظهار می‌نماید که سؤال از

چیزی که کنه و حقیقت آن را نمی‌دانی جهل است. پس از آن، نوح را موعظه فرموده که دیگر چنین سؤالی نکن؛ زیرا که آن از عمل مردمان نادان است.

وقتی نوح دید مورد خطاب و عتاب قرار گرفت، بنای استغاثه گذاشت و به طور خضوع و تذلل طلب عفو کرد و اظهار می‌نماید که از روی ندانستن از تو سؤال نمودم و اگر مرا نیامرزی و ترحم‌نمایی از زبان کاران می‌باشم (مجتهده امین، ۱۳۶۱ش، ۶: ۲۶۸). حضرت نوح در این ادعیه به صورت پرسش و پاسخ با خداوند سخن گفت تا شاید حکمت خدا را درک کند. بعد از طرح سوال خود، برای رعایت ادب، صفت احکم الحامین بودن خدا را یادآوری کرد و در پایان سخن خود نیز دوباره برای رعایت ادب و تواضع تقاضای آمرزش و رحمت الهی نمود. ایشان در دعای خود به رابطه انسان با خدا و انسان با انسان اشاره کرد و با ندا «رب» راز و نیاز خود را آغاز نمود. این ادعیه نیز در سوره مکی گنجانده شده است.

۳-۲-۱-۲. دعای غیرمستقیم ايجابية حضرت ابراهیم (ع)

حضرت ابراهیم این گونه سخن خود را با خداوند شروع می‌کند: «رَبَّنَا إِنَّكَ تَعَلَّمُ مَا نَخْلُقُ فِيهِ وَ مَا نُعَلِنُ وَ مَا يَخْلُقُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ؛ ابراهیم/۳۸-۳۹»، همه آنچه را که ما مخفی می‌داریم و یا ظاهر می‌سازیم تو می‌دانی، زیرا تو آن خدایی هستی که هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر تو پنهان نیست. ابراهیم (ع) در بین دعایش وقتی به یاد نعمت فرزندانش که خدا به او عنایت کرده است، می‌افتد ناگهان رشته دعا را رها نموده به شکر از خداوند متعال می‌پردازد و خدا را بر استجابت دعایش ثنا می‌گوید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۲: ۷۷).

ایشان در این ادعیه به رابطه انسان با خدا اشاره دارد و از ندا «ربنا و رب» استفاده نموده است. با توجه به آیات بعد مشخص می‌شود که حضرت ابراهیم قبل از بیان خواسته‌های خود ادب و تواضع را رعایت می‌کند و شروع به تمجید و شکرگزاری از نعمت‌های خداوند می‌پردازد و در پایان نیز صفت سمیع الدعاء بودن خداوند را یادآوری می‌کند. در آیه «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ بقره/۱۲۴»، حضرت در این گفتگو دو طرفه از خداوند درخواست کرد همان طوری که او را به مقام امامت رساند ذریه او را به این درجه نائل گرداند که خداوند پاسخ داد این مقام به ظالمان نمی‌رسد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۸۶). ایشان در این گفتگو از ندا «رب» استفاده و به رابطه انسان با خدا و انسان با انسان اشاره کرد.

حضرت ابراهیم در کریمه «وَ إِذِ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ بقره/۲۶۰»، تقاضای کند که چگونگی زنده شدن مردگان را ببیند، ولی چون ممکن بود تصور شود که این سؤال ناشی از شک در خود معاد است، با سؤال و جواب بعدی روشن شده که حضرت ابراهیم شکی در اصل معاد ندارد (قرشی، ۱۳۷۷ش، ۱: ۴۹۲).

حضرت کلام خود را با ندا «رب» آغاز نمود. این ادعیه به رابطه انسان با خدا اشاره دارد و خواسته در قالب پرسش و پاسخ مطرح شد و در آخر سخن خداوند، صفت عزیز و حکیم بودن خود را به حضرت یادآوری می‌کند. حضرت ابراهیم در ادعیه خود

از ندا «رب و ربنا» استفاده کرد. مهمترین ادعیه ایشان شکرگزاری از نعمات خدا بود. نیمی از ادعیه حضرت ابرهیم در سوره مکی و نیمی از آن در سوره مدنی گنجانده شده است.

۴-۱-۲-۲. دعای غیرمستقیم ایجابی حضرت ایوب (ع)

حضرت ایوب (ع) در آیه « وَ اذْکُرْ عَبْدَنَا اَيُّوبَ اِذْ نَادَى رَبَّهُ اَنِّیْ مَسَّنِیَ السَّیْطَانُ بِنُصْبٍ وَّ عَذَابٍ ۚ اَرْکُضُ بِرِجْلِکَ هَاذَا مُغْتَسِلٌ بَارِدٌ وَّ شَرَابٌ ۚ ص/۴۲-۴۱»، از خداوند می‌خواهد که عافیتش دهد و سوء حالی که بدان مبتلا شده از او برطرف سازد و به منظور رعایت تواضع و تذلل درخواست و نیاز خود را ذکر نمی‌کند، بلکه تنها از اینکه خدا را به نام "ربی - پروردگرم" صدا می‌زند، فهمیده می‌شود که او را برای حاجتی می‌خواند و آیه بعدی حکایت از استجاب دعای او می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۷: ۲۱۰-۲۰۸).

کریمه «وَ اَيُّوبَ اِذْ نَادَى رَبَّهُ اَنِّیْ مَسَّنِیَ الضَّرُّ وَّ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ؛ انبیا/۸۳»، بیان می‌کند که حضرت ایوب (ع) مورد هجوم انواع بلاها قرار گرفت، اموالش همه از دست رفت و اولادش همه مردند. مرض شدیدی بر بدنش مسلط شد و مدت‌ها او را رنج می‌داد تا آنکه دست به دعا بلند کرد و حال خود را به درگاه خدا شکایت کرد. آیات بعدی حاکی از این می‌باشد که خدای تعالی دعایش را مستجاب نمود و از مرض نجاتش داد و اموال و اولادش را با چیزی اضافه‌تر به او برگردانید (همان، ۱۴: ۳۱۴).

حضرت ادعیه خود را در قالب رابطه انسان با خدا و با ندا «رب» بیان می‌کند و دعا حاکی از کمال ادب و تواضع ایشان می‌باشد و در سوره مکی گنجانده شده است.

۵-۱-۲-۲. دعای غیرمستقیم ایجابی حضرت یونس (ع)

حضرت یونس در آیه «وَ ذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادَى فِی الظُّلُمَاتِ اَنْ لَّا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ ۚ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّیْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَّ کَذٰلِکَ نُنَجِّی الْمٰؤْمِنِیْنَ؛ انبیا/۸۷-۸۸»، از خداوند خواست او را بیمارزد و خداوند پاسخ داد تو را می‌آمزم و مومنین نیایشگر را این گونه می‌آمزم (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۷: ۹۶-۹۷).

این دعا بر خلاف دیگر ادعیه با ندا شروع نشده است چون خداوند آن را از زبان خود بیان کرده است و در قالب رابطه انسان با خدا و در سوره مکی بیان شده است. حضرت قبل از تقاضای آمزش، کلام خود را با ستایش خداوند شروع کرد و در مرحله بعد به گناه خود اعتراف کرد که این نیز آموزشی برای چگونگی دعا می‌باشد.

۶-۱-۲-۲. دعای غیرمستقیم ایجابی حضرت موسی (ع)

در آیه «قَالَ رَبِّ اِنِّیْ قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَآخَافُ اَنْ یَقْتُلُوْنِ ۚ وَ اَخِیْ هَارُوْنُ هُوَ اَفْصَحُ مِنْیْ لِسَانًا فَارْسَلْهُ مَعِیْ رِدْءًا یُصَدِّقُنِیْ اِنِّیْ اَخَافُ اَنْ یُکَذِّبُوْنِ ۚ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِاَخِیْکَ وَ نَجِّیْ لَعَلُّ لَکُمْ سُلْطٰنًا فَلَا یَصِلُوْنَ اِلَیْکُمَا بِاٰیٰتِنَا اَنْتُمْآ وَ مَنْ اَتْبَعَتْکُمَا الْعٰلِبُوْنَ؛ قصص/۳۳-۳۵»، حضرت موسی از خداوند خواست برادرش هارون که زبانش از او فصیح تر است در امر رسالت همراهیش کند و خدای تعالی فرمود: به زودی تو را به وسیله برادرت هارون تقویت و یاری خواهیم کرد و تسلط و اقتدار و غلبه‌ای برایتان قرار خواهیم داد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶: ۳۴-۳۵).

در این گفتگوی دوطرفه حضرت موسی کلام خود را با ندا «رب» آغاز کرد و خواسته خود را در قالب رابطه انسان با خدا مطرح کرد و خداوند نیز خواسته‌اش را اجابت کرد.

در آیه « قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخْلِفُ أَنْ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ * قَالَ لَا تَخْلِفَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَىٰ؛ طه/۴۵-۴۶»، حضرت موسی و هارون از ترس خود نسبت به فرعونیان سخن گفتند و در پاسخ، خداوند به آنان فرمود من با شما هستم (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۶: ۱۲۵). در این آیات با ندا «ربنا» سخن آغاز شد و در قالب رابطه انسان با خدا مطرح گردید، ولی خداوند نیز در آخر سخن خود صفت سمیع و بصیر بودن خود را به آنان یادآوری کرد.

کریمه «قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ؛ قصص/۱۷»، حضرت موسی به خداوند عرضه داشت: به شکرانه عزتی که به من عنایت کردی هرگز از کافرین پشتیبانی نمی‌کنم (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ۶: ۲۰۳).

این دعا در قالب رابطه انسان با خدا و انسان با انسان و در سوره مکی و با ندا «رب» بیان شده است و می‌توان به استناد این آیه به اهمیت شکرگزاری در دعا پی برد. همه ادعیه مربوط به حضرت موسی در سوره مکی گنجانده شده است. ایشان در بیان ادعیه خود از ندا «رب و ربنا» استفاده کرده است.

۷-۱-۲-۲. دعای غیرمستقیم ایجابی حضرت زکریا (ع)

در آیه «قَالَ رَبِّ أَنِي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرَ وَ أَمْرَاتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ * قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَ أَدْكُرُ رَبِّكَ كَثِيرًا وَ سَبِّحُ بِالْعَشِيِّ وَ الْأُبْحَرِ؛ آل عمران/ ۴۰-۴۱»، حضرت زکریا با خدای خود در مورد چگونگی فرزندان شدن خود سخن می‌گوید و خداوند نشانه صاحب فرزند شدن زکریا را سخن نگفتن وی بیان کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳: ۱۷۹-۱۷۷).

این گفتگو در قالب رابطه انسان با خدا و با ندا «رب» و در سوره مدنی بیان شده است. در آیات چهار تا ده سوره مریم نیز حضرت زکریا در مورد این موضوع سخن گفته است با این تفاوت که حضرت در این سوره به شرح بیشتری از اوضاع خود پرداخته است.

ادعیه حضرت زکریا با موضوعیت فرزند آوری و با ندا «رب» در سوره مکی و مدنی گنجانده شده است.

۸-۱-۲-۲. دعای غیرمستقیم ایجابی حضرت عیسی (ع)

در آیات ۱۱۶ تا ۱۲۰ سوره مائده گفتگوی خدای تعالی با عیسی بن مریم (ع) را بیان می‌کند و در باره آنچه که نصارا در حق وی گفته‌اند حکایت می‌کند، گویا غرض از نظم و نسق این آیات بیان اعترافاتی است که عیسی (ع) با زبان خود بیان کرده و وضع زندگی دنیوی خود را حکایت کرده است که حق او نبوده درباره خود ادعایی کند که حقیقت ندارد، کلام با پرسش خداوند در مورد توحید شروع می‌شود و حضرت عیسی نیز بیان می‌کند که معتقد به یگانگی خداوند می‌باشد (همان، ۶: ۲۴۰-۲۴۳).

حضرت کلامش را با ستایش خداوند شروع می‌کند و در سخنان خود به صفات عزیز، حکیم و شاهد بودن خداوند اشاره می‌کند. این ادعیه رابطه انسان با خدا و انسان با انسان را بیان می‌کند. خداوند نیز در پایان کلام، صفت مالک و قادر بودن خود را یادآوری می‌نماید. این دعا در سوره مدنی گنجانده شده است.

۹-۱-۲. دعای غیرمستقیم ایجابی حضرت محمد (ص)

در آیه «.....وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا؛ طه/۱۱۴، خداوند به حضرت محمد (ص) آموزش می‌دهد که بگو ای پروردگار علم من را بیفزای، یعنی مرا علمی بعد از علمی کرامت فرمای و یا دانش مرا به قرآن و معانی آن زیاد فرما، یا علم مرا به قصص انبیاء و منازل ایشان زیاد فرما (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ۸: ۳۳۴).

در کریمه فوق خداوند برای پیشنهاد دعا از ندا «رب» استفاده کرده و در قالب رابطه انسان با خدا بیان شده است. از آنجایی که آموزش دعا به انبیا فقط در مورد همین موضوع صورت گرفته است؛ لذا نشانگر اهمیت زیاد علم و دانش در دین اسلام می‌باشد. این دعا نیز در سوره مکی گنجانده شده است.

برسی ۳۴ آیه فوق حاکی از این است که از میان انبیایی که در قرآن نام آنان ذکر شده است، فقط نه نفر از آنان (موسی (ع)، نوح (ع)، ابراهیم (ع)، زکریا (ع)، آدم (ع)، یونس (ع)، عیسی (ع)، ایوب (ع) و محمد (ع)) برای بیان ادعیه خود از روش غیرمستقیم ایجابی استفاده نمودند.

این انبیاء برای بیان خواسته‌های خود از ندا «رب و ربنا» استفاده کردند که بیشترین تکرار مربوط به «رب (۱۲ بار)» و کمترین آن «ربنا (۳ بار)» بود. بیشترین ادعیه مربوط به حضرت زکریا که ۹ آیه مربوط به دعای ایشان بود. بیشترین دعا در سوره مریم بیان شده است و کمترین دعا مربوط به حضرت محمد با یک دعا می‌باشد؛ ولی از حیث اهمیت، مهمترین دعا به حساب می‌آید؛ زیرا خداوند به او پیشنهاد کرد که دعای فزونی علم را در دعاهاى خود بگنجاند و برای انبیاء دیگر آموزشی در نظر نگرفته بود که این می‌تواند اشاره‌ای به مقام والای حضرت محمد (ص) در نزد خداوند باشد.

در این روش از دعا که در قالب گفت و گوی دو طرفه بود، دعاها بیشتر در قالب رابطه انسان با خدا مطرح شد و انبیاء مسائل شخصی خود را بیان نمودند و کمتر به مسائل قوم خود پرداختند. بیشترین موضوع خواسته شده، طلب غفران برای خود انبیاء می‌باشد. در میان ادعیه بررسی شده دعای حضرت عیسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا حضرت عیسی برای اعتراف به عقیده یکتاپرستی خود، کلامش را با ستایش الهی شروع کرد و صفات عزیز، حکیم و شاهد بودن خداوند را بیان نمود و خداوند نیز صفت مالک و قادر بودن خود را به حضرت یادآوری کرد. ادعیه‌های بررسی شده در شش سوره مکی و سه سوره مدنی بیان شده است.

۲-۲-۲. دعا غیر مستقیم سلبی

در این بخش از ادعیه، انبیاء می‌کوشند تا وضعیت نگران کننده قوم خویش را به تصویر بکشند و یا از خداوند می‌خواهند که رحمت خود را شامل گروهی از مردم نکند. در ذیل به شرح آن می‌پردازیم:

۱-۲-۲. دعای غیرمستقیم سلبی حضرت نوح (ع)

در آیات پنج تا ۲۸ سوره نوح، حضرت زبان به گلایه گشود و از بدرفتاری قوم خود در نپذیرفتن رسالتش سخن گفت. حضرت نوح دعا کرد که خداوند ظالمان را هلاک و کافران را بر روی زمین باقی نگذارد؛ زیرا وجودشان باعث گمراهی دیگران می‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۹: ۱۹۹-۱۷۹).

در این ادعیه که جز سور مکی می‌باشد حضرت از ندا «رب» استفاده نموده و در آن به رابطه انسان با خدا و انسان با انسان اشاره کرده است. حضرت در ادعیه خود اول آمرزش و مغفرت پیروان خود را مطرح و در پایان هلاکت ظالمان را از خداوند درخواست کرد که این هم نشانی بر عطف و مهربانی و صبر و شکیبایی انبیاء در امر رسالت می‌باشد. در مقایسه ادعیه غیر مستقیم ایجابی و سلبی تعداد ادعیه سلبی کمتر بوده است.

نتیجه گیری

دعا از یک سو تعلیم است و از سوی دیگر تربیت نفس و آماده سازی روان برای پذیرش خوبی‌ها و زیبایی‌های هستی و حیات. نیایش‌ها و خواسته‌های پیامبران بر سرنوشت بشر تاثیر گذار است و تصویرهای واقع بینانه‌ای از زندگی و هدف و نیازهای آنان را به ما نشان می‌دهد. این نشان از هدایتی است که آنان در بستر ایمان و خردورزی خویش بدان دست یافته‌اند. دعا از ریشه (د ع و) به معنای یاری خواستن، خواندن، به سوی غیر متمایل شدن می‌باشد. بسیاری از اهل لغت گفته‌اند «صلاه» به معنای دعا و تبریک و تمجید است؛ اما به معنای نماز نیز آمده است که در اصل نوع خاصی از دعاست. معناهای مختلف از دعا، جمله‌گی طلب کردن چیزی از خدا مراد می‌باشد؛ یعنی قرار گرفتن موجودی حقیر و ناتوان در مقابل وجودی تام و تمام و کمال مطلق، به منظور درخواست نیازهایی که خود قادر به تامین آن‌ها نیست. عنایت انبیاء (ع) به دعا و اصرار بر آن در همه حال، جایگاه دعا را نشان می‌دهد. وقتی دعوتگران به معنویت، خود این اندازه به دعا می‌پردازند و از آن مدد می‌طلبند، سزاوار است که در مفهوم و گستره پیامدهای معنوی نیایش، تامل بیشتری داشته باشیم؛ چرا که پیامبران به دلیل نزدیک بودن به منبع لایزال وحی، این بصیرت را به دست آورده‌اند که دعا در میان اسباب تقرب و تکامل، جایگاهی ویژه دارد. پرسش اساسی در این تحقیق این است که پیامبران در قرآن در ادعیه خود چه خواسته‌هایی را از خدا داشته‌اند؟ تفاوت‌ها و شباهت‌های این ادعیه در چیست؟ بررسی آیه ۹۷ از قرآن که با موضوع ادعیه پیامبران بیان شده است حاکی از این می‌باشد که:

از میان ۲۵ انبیایی که نام آنان در قرآن بیان شده است، فقط ادعیه حضرت آدم (ع)، حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت سلیمان (ع)، حضرت شعیب (ع)، حضرت ایوب (ع)، حضرت یونس (ع)، حضرت یوسف (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت زکریا (ع)، حضرت عیسی (ع)، حضرت محمد (ص) بیان شده است. انبیاء برای بیان ادعیه خود از روش مستقیم و غیر مستقیم و به صورت ایجابی و سلبی استفاده نمودند. ایشان ادعیه خود را بیشتر در قالب ادعیه مستقیم ایجابی (۴۳ آیه) و ادعیه غیر مستقیم ایجابی (۳۴ آیه) بیان کرده‌اند و کمتر از روش سلبی برای بیان خواسته‌های خود استفاده نمودند که این حاکی از صبر و عطف و انبیاء می‌باشد و گویای این مطلب است که انبیاء طلب آمرزش برای قوم خود را بیشتر از طلب هلاکت آنان از خداوند درخواست کرده‌اند. بیشترین درخواست در ادعیه مستقیم ایجابی، طلب غفران و هدایت برای خود انبیاء و دیگران؛ در ادعیه مستقیم سلبی، طلب هلاکت کسانی که دعوت حق را نمی‌پذیرند؛ در ادعیه غیر مستقیم ایجابی، طلب غفران و هدایت برای خود انبیاء؛ در ادعیه غیر مستقیم سلبی، گلایه از قوم خود و طلب هلاکت آنان می‌باشد. در میان انبیاء فقط حضرت نوح از همه روش‌ها (مستقیم ایجابی و سلبی و غیر مستقیم ایجابی و سلبی) برای بیان خواسته‌های خود استفاده کرده است. انبیا برای

بیان ادعیه خود بیشتر از ندا «رب» استفاده کرده‌اند. سوره نوح بیشترین ادعیه قرآنی انبیاء را در خود جای داده است. حضرت نوح و حضرت موسی در میان انبیاء بیشترین ادعیه را در قرآن به خود اختصاص داده‌اند. طلب غفران و هدایت موضوعی بود که در همه ادعیه تکرار شده است. رعایت ادب و تواضع در ادعیه تمامی انبیاء دیده می‌شود که این نشان از اهمیت بحث هدایت و ادب در برابر مقام خداوند می‌باشد. برخی از انبیاء مانند حضرت ایوب، حضرت عیسی، حضرت موسی، حضرت یوسف و حضرت ابراهیم در دعاهای خود به برخی از خصوصیات الهی مانند غفور، سمیع، علیم و... اشاره کردند. حضرت سلیمان، حضرت ابراهیم و حضرت موسی در ادعیه خود به بحث شکر از نعمات الهی نیز اشاره داشته‌اند. حضرت ابراهیم تنها پیامبری بود که در ادعیه خود برای حضرت محمد دعا نمود و قبل از بیان خواسته خود به ستایش الهی پرداخت. که همه این موارد می‌تواند آموزشی برای همگان باشد که ادعیه خود را به زیباترین روش از خداوند منان درخواست نمایند. حضرت عیسی تنها کسی بود که در ادعیه خود نوآوری داشت و در زمانی که مائده آسمانی بر آنان نازل شد، از خداوند درخواست کرد که آن روز را به عنوان روز عید قوم خود انتخاب کند. تنها دعایی که خداوند آن را به انبیاء آموزش داد مربوط به حضرت محمد (ص) است و آن تقاضای فزونی علم بود که نشان از اهمیت جایگاه علم و آگاهی می‌باشد و حاکی از مقام والای حضرت محمد (ص) در نزد خداوند می‌باشد؛ زیرا خداوند به بقیه انبیا آموزشی برای بیان خواسته‌های خود نداده بود. حضرت ابراهیم و حضرت نوح در ادعیه خود برای برای پدر، مادر و خانواده خود دعا کردند که این نشان از ارتباط تنگاتنگ دعا و خانواده می‌باشد. این طیف از ادعیه که بر زبان پیامبران جاری می‌شود، مخاطب را به روابط حسنه با نزدیکان تشویق می‌کند و زمینه آشنایی با وظایف در قبال خانواده رافراهم می‌آورد و همچنین این دو پیامبر برای آیندگان نیز دعا نمودند این امر حاکی از آن است که انبیاء تنها به گذشتگان و مغفرت طلبی آنان بسنده نمی‌کنند، بلکه روزگاری را که در پیش است نیز مورد توجه قرار داده‌اند که این نشان از آینده نگری ایشان می‌باشد. تعداد درخواست‌های شخصی پیامبران بیشتر از درخواست برای دیگران بوده است. حضرت سلیمان، حضرت زکریا، حضرت یوسف، حضرت ایوب و حضرت یونس از جمله پیامبرانی بودند که در ادعیه خود فقط برای خود دعا نمودند و هیچ درخواستی برای اطرافیان خود نداشتند که موضوع مشترک همه آنان طلب آموزش و هدایت می‌باشد به غیر از حضرت زکریا که فقط در مورد اینکه صاحب فرزندی شود با خداوند سخن گفت. همه سوری که ادعیه پیامبران در آن بیان شده است جزو سور مکی می‌باشد به غیر از سوره بقره، آل عمران و مائده که ادعیه حضرت عیسی، حضرت زکریا و حضرت ابراهیم در آن گنجانده شده است.

منابع

القرآن الکریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ ق)، التحریر و التنویر، اول، بیروت، موسسه التاریخ.
۳. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، سوم، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
۴. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، اول، مشهد، آستان قدس رضوی.
۵. اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، اول، بیروت، دار العلم.
۶. امین، نصرت بیگم (۱۳۶۱ ش)، مخزن العرفان در علوم قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.

۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
۸. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۲ش)، تفسیر اثنا عشری، اول، تهران، انتشارات میقات.
۹. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۹ش)، معارف و معاریف، تهران، موسسه فرهنگی آرایه.
۱۰. زبیدی واسطی، حنفی محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، اول، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، سوم، بیروت، دار الکتاب العربی.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (بی تا)، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ سیروس.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، سوم، تهران، ناصر خسرو.
۱۵. (۱۳۹۲ش)، مکارم الاخلاق، تحقیق محمد حسین اعلمی، ششم، تهران، موسسه اعلمی.
۱۶. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر، اول، اردن، دارالکتاب الثقافی.
۱۷. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، اول، بیروت، دار المعرفه.
۱۸. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۱۹. عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ق)، الفرق اللغویه، اول، قم، موسسه نشر اسلامی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، دوم، قم، نشر هجرت.
۲۲. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۸۳ش)، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، دوم، تهران، انتشارات الصدر.
۲۴. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، دوم، تهران، بنیاد بعثت.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، سوم، قم، مؤسسه دار الکتاب.
۲۶. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکشاف، سوم، قم، دار الکتاب الإسلامی.